

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

نقش آخرین وام دهنده بانک مرکزی

تألیف:

دکتر محمد حسین قوام

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

سید محمد صادق شاهچراغ



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: نقش آخرین وام‌دهنده بانک مرکزی
مؤلفان: دکتر محمدحسین قوام و سیدمحمدصادق شاهچراغ
ناشر: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
صفحه آرا: محمد روشنی
نمایه‌ساز و ناظر نسخه‌پردازی و چاپ: رضا دیبا
چاپ و صحافی: چاپ سپیدان
چاپ اول: ۱۴۰۲
قیمت: ۱/۲۵۰/۰۰۰ ریال
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۰۰۵-۳
«این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است»

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲
تلفن: ۶۶۹۵۴۶۰۳ - تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱
فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، بل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۰۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
فروشگاه اینترنتی: <https://press.isu.ac.ir> • E-mail: pub@isu.ac.ir

سرشناسه: قوام، محمدحسین، ۱۳۶۱-
عنوان و نام پدیدآور: نقش آخرین وام‌دهنده بانک مرکزی / محمدحسین قوام و سیدمحمدصادق شاهچراغ.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۲۱۵ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۰۰۵-۳
موضوع: بانک و بانکداری مرکزی
موضوع: بانک و بانکداری مرکزی - ایران
موضوع: وام‌های بانکی
شناسه افزوده: شاهچراغ، سیدمحمدصادق، ۱۳۷۵-
رده‌بندی کنگره: HG ۱۸۱۱
رده‌بندی دیویی: ۳۲۲/۱۱
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق(ع)
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۱۰۴۶۳

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست اجمالی

۱۱.....	سخن ناشر
۱۳.....	سخن مرکز رشد
۱۷.....	سخن نویسندگان
۱۹.....	مقدمه
۲۳.....	واژه نامه
۲۷.....	فصل اول: نقش آخرین وام دهنده؛ مروری بر مفاهیم و نظریه ها
۴۷.....	فصل دوم: نقش آخرین وام دهنده در نظام بانکی کشورهای دنیا
۶۳.....	فصل سوم: نقش آخرین وام دهنده در نظام بانکی ایران
۷۵.....	فصل چهارم: تحلیل فقهی نقش آخرین وام دهنده
۹۹.....	فصل پنجم: چالش های نقش آخرین وام دهنده در ایران و ارائه راهکارهای اصلاحی
۱۱۹.....	جمع بندی و خلاصه
۱۲۷.....	پیوست
۱۹۷.....	منابع و مأخذ
۲۰۳.....	نمایه

فهرست تفصیلی

سخن ناشر	۱۱
سخن مرکز رشد	۱۳
سخن نویسندگان	۱۷
مقدمه	۱۹
واژه نامه	۲۳
فصل اول: نقش آخرین وام دهنده؛ مروری بر مفاهیم و نظریه ها	۲۷
۱-۱. مقدمه	۲۹
۲-۱. ماهیت و جایگاه «نقش آخرین وام دهنده»	۲۹
۳-۱. تاریخچه نقش آخرین وام دهنده	۳۴
۴-۱. رویکردهای نظری در باب نقش آخرین وام دهنده	۳۶
۱-۴-۱. رویکرد اول؛ رویکرد کلاسیک	۳۷
۲-۴-۱. رویکرد دوم؛ تعمیم به بانک های دچار ناتوانی مالی	۳۸
۳-۴-۱. رویکرد سوم؛ ایفای نقش آخرین وام دهنده صرفاً از طریق عملیات بازار باز	۳۹
۴-۴-۱. رویکرد چهارم؛ بانکداری آزاد	۴۰
۵-۱. مزایا و معایب نقش آخرین وام دهنده	۴۱
۶-۱. مخاطره های اخلاقی و نقش آخرین وام دهنده	۴۲
۷-۱. گزیر و نقش آخرین وام دهنده	۴۴

فصل دوم: نقش آخرین وام‌دهنده در نظام بانکی کشورهای دنیا.....	۴۷
۱-۲. مقدمه.....	۴۹
۲-۲. نقش آخرین وام‌دهنده در اروپا.....	۴۹
۱-۲-۲. قواعد اعطای تسهیلات اضطراری.....	۵۰
۲-۲-۲. رویه اعطای تسهیلات اضطراری.....	۵۱
۳-۲. نقش آخرین وام‌دهنده در آمریکا.....	۵۴
۴-۲. نقش آخرین وام‌دهنده در ترکیه.....	۵۶
۵-۲. نقش آخرین وام‌دهنده در سنگاپور.....	۵۸
۶-۲. نقش آخرین وام‌دهنده در اندونزی.....	۶۱
فصل سوم: نقش آخرین وام‌دهنده در نظام بانکی ایران.....	۶۳
۱-۳. مقدمه.....	۶۵
۲-۳. تعریف اضافه برداشت.....	۶۵
۳-۳. تاریخچه نرخ اضافه برداشت.....	۶۵
۴-۳. تحلیل اضافه برداشت شبکه بانکی از بانک مرکزی و بررسی علل آن.....	۶۷
۵-۳. تبدیل اضافه برداشت به خط اعتباری.....	۷۱
۶-۳. آغاز به کار عملیات بازار باز.....	۷۲
فصل چهارم: تحلیل فقهی نقش آخرین وام‌دهنده.....	۷۵
۱-۴. مقدمه.....	۷۷
۲-۴. نقش آخرین وام‌دهنده و قاعده ممنوعیت ربا.....	۷۷
۱-۲-۴. توجیه‌های شرعی اضافه برداشت و نقد آن‌ها.....	۷۸
۳-۴. نقش آخرین وام‌دهنده و قاعده لاضرر.....	۸۳
۴-۴. راهکارهای شرعی مطرح شده برای ساماندهی اضافه برداشت.....	۸۳
۱-۴-۴. راهکار پیشنهادی اول: سازوکار قرض.....	۸۴
۲-۴-۴. ارزیابی راهکار پیشنهادی اول.....	۸۵
۳-۴-۴. راهکار پیشنهادی دوم: سازوکار معامله کالا در قالب عقد مباحه.....	۸۵
۴-۴-۴. ارزیابی راهکار پیشنهادی دوم.....	۸۶

۸۶	۵-۴-۴. راهکاری پیشنهادی سوم: سازوکار مضاربه
۸۷	۶-۴-۴. ارزیابی راهکار پیشنهادی سوم
۸۸	۷-۴-۴. راهکار پیشنهادی چهارم: سازوکار مشارکت
۸۸	۸-۴-۴. ارزیابی راهکار پیشنهادی چهارم
۸۸	۹-۴-۴. راهکار پیشنهادی پنجم: سازوکار وکالت در سرمایه‌گذاری
۸۹	۱۰-۴-۴. ارزیابی راهکار پیشنهادی پنجم
۸۹	۱۱-۴-۴. راهکار پیشنهادی ششم: استفاده از سازوکار بیع دین
۹۰	۱۲-۴-۴. ارزیابی راهکار پیشنهادی ششم
۹۱	۱۳-۴-۴. راهکار پیشنهادی هفتم: بیع نقد و اجاره مجدد اسناد تجاری دارایی‌های قابل اجاره
۹۱	۱۴-۴-۴. ارزیابی راهکار پیشنهادی هفتم
۹۲	۱۵-۴-۴. راهکار پیشنهادی هشتم: ریپوی اسلامی
۹۳	۱۶-۴-۴. ارزیابی راهکار پیشنهادی هشتم
۹۵	۵-۴. رتبه‌بندی راهکارهای پیشنهادی
فصل پنجم: چالش‌های نقش آخرین وام‌دهنده در ایران و ارائه راهکارهای	
۹۹	اصلاحی
۱۰۱	۱-۵. مقدمه
۱۰۱	۲-۵. تبیین چالش‌های نقش آخرین وام‌دهنده
۱۰۱	۲-۲-۵. چالش‌های ساختاری
۱۰۳	۳-۲-۵. چالش‌های عملکردی
۱۰۸	۴-۲-۵. چالش‌های فرهنگی
۱۰۹	۵-۲-۵. چالش‌های فقهی
۱۱۰	۶-۲-۵. چالش‌های قانونی
۱۱۱	۳-۵. تبیین راهکارهای اصلاحی نقش آخرین وام‌دهنده
۱۱۱	۱-۳-۵. توسعه عملیات بازار باز
۱۱۲	۲-۳-۵. تفکیک بین وام‌های بانک مرکزی به بانک‌ها

۱۱۳ وثیقه‌دار کردن اضافه برداشت	۳-۳-۵
۱۱۳ طراحی دقیق و اجرای کارای نظام احیا و گزیر	۴-۳-۵
۱۱۶ تشدید نظارت بانک مرکزی بر شبکه بانکی	۵-۳-۵
۱۱۷ توسعه کمی و کیفی نهادهای رتبه‌بندی اعتباری و استفاده کارا از آن‌ها	۶-۳-۵
۱۱۹ جمع‌بندی و خلاصه	
۱۲۷ پیوست	
۱۲۷ مقدمه	
۱۲۷ مصاحبه اول: «علل ناکارآمدی نقش آخرین وام‌دهنده»	
	مصاحبه دوم: «سه چالش اصلی و سه راهکار پیرامون نقش آخرین وام‌دهنده در	
۱۳۸ ایران»	
۱۵۱ مصاحبه چهارم: «آسیب‌شناسی نقش آخرین وام‌دهنده در ایران»	
۱۵۳ مصاحبه پنجم: «جهت‌گیری خلق پول؛ مهم‌ترین متغیر سیاستی»	
۱۶۸ مصاحبه ششم: «تحلیل ابعاد مختلف نقش آخرین وام‌دهنده»	
	مصاحبه هفتم: «نظارت و رتبه‌بندی بانک‌ها؛ دو رکن مهم در ایفای کارآمد نقش	
۱۷۷ آخرین وام‌دهنده»	
۱۸۸ مصاحبه هشتم: «گزیر؛ مهم‌ترین رکن ایفای کارآمد نقش آخرین وام‌دهنده»	
۱۹۷ منابع و مآخذ	
۲۰۳ نمایه	

سخن ناشر



رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق علیه السلام «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به‌عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با ترکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «ترکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم

زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است. دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌هاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه‌السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

والله‌الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

سخن مرکز رشد

※※※※※

بیش از سی سال از تجربه دانشگاه امام صادق علیه السلام می‌گذرد. این دانشگاه در اولین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در پاسخ به نیازهای گریزناپذیر این انقلاب، به همت و مساعی بی‌دریغ مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی کنی رحمة الله تأسیس شد. اسلامیت نظامی که به گونه‌ای اسلامی تشکیل شده است، متوقف بر داشتن برنامه‌ای برآمده از اسلام و مجریان و مسئولانی آگاه به مبانی اسلامی است و بدون این دو امر، حکومت اسلامی به مرور از درون تهی شده و به سوی حکومتی که صرفاً ظواهری اسلامی دارد، حرکت خواهد کرد. بیشترین چیزی که در سال‌های اول از این دانشگاه انتظار می‌رفت، تعلیم و تربیت دانش‌آموختگان آشنا و مؤمن به معارف دین مبین اسلام و همچنین آگاه به علوم انسانی و اجتماعی روز دنیا بود. در سه دهه گذشته، دانش‌آموختگان دانشگاه امام صادق علیه السلام با توشه‌ای که از خرمن عالم اخلاق، فقیه و اصولی کم‌نظیر، مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی کنی رحمة الله برچیده بودند و با تسلطی که بر مبانی اسلامی و علوم اجتماعی یافته بودند، در بخش‌های مختلف کشور مشغول به خدمت شدند و سعی نمودند تا حدی نیازهای انقلاب و ایران اسلامی را برآورده کنند.

با گذشت زمان و تعمیق و تفصیل نیازهای انقلاب اسلامی، از سویی، شدت نیاز به نیروی انسانی قدری کاهش یافت و از سویی دیگر، نیاز به تولید

علوم انسانی و اجتماعی متناسب با تعالیم و آموزه‌های قرآن و سنت شدت گرفت. مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی کنی ^{رحمة الله} که در سیره علمی، عملی و مدیریتی خود، توجه به «نیازهای روز» جامعه اسلامی را سرلوحه مساعی خود قرار داده بودند، در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه امام صادق ^{علیه السلام} با مقام معظم رهبری ^{مدظله العالی}، وزن و اهمیت بیشتری را به موضوع تولید علم و مرجعیت علمی اختصاص دادند. آنان که دانشگاه امام صادق ^{علیه السلام} و دانش‌آموختگان آن را می‌شناسند، به خوبی می‌دانند که ظرفیت تربیتی و علمی این نهاد برآمده از انقلاب اسلامی بسیار بیش از دستاوردهای موجود آن است. دانشگاه امام صادق ^{علیه السلام} در بین دانش‌آموختگان خود، افرادی مستعد و توانمند برای پیگیری و پیشبرد مسیر طولانی و سخت علمی را تربیت می‌کند، اما این افراد، پس از دانش‌آموختگی، مسیر و جایگاهی را برای پیگیری دغدغه‌ها و به ثمر نشان دادن همت‌های خود نمی‌یابند. با اینکه تعداد زیادی از این دانش‌آموختگان کوشای دانشگاه، سال‌های تحصیل را در فهم علوم اسلامی و تتبع در حوزه‌های تخصصی علوم اجتماعی طی می‌کنند و در پایان‌نامه‌های پژوهشی خود، ظرفیت شخصیتی و فکری خود را برای ادامه این مسیر به اثبات می‌رسانند، با مسیرها و سازمان‌ها - اعم از علمی یا اجرایی - مواجه می‌شوند که با دغدغه‌هایی به نسبت بسیار سطحی‌تر، پاسخ‌گویی به نیازهایی دیگر را بر آن‌ها تحمیل می‌کند.

به نظر می‌رسد همان‌گونه که پاسخ‌گویی به نیازهای دهه‌های قبل انقلاب اسلامی، چندان از طریق الگوهای دانشگاهی و حوزوی مرسوم، اثربخش و موفق نبود و مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی کنی ^{رحمة الله} عمر خود را در ایجاد الگویی جدید صرف کرد؛ پیگیری و ثمردهی نیاز به تولید علم و مرجعیت علمی نیز با تبعیت و تقلید از الگوهای قدیمی و مرسوم پژوهشی

ممکن نباشد. ازسویی دانش‌آموختگان دانشگاه برای تمرکز و تأمل بر نیازهای علمی کشور و تولید دانش و نرم‌افزارهای مطلوب، راهی زمان‌بر، طولانی و پریپیچ‌وخم پیش رو دارند؛ ازسوی دیگر، نظام اجرایی و علمی کشور که سال‌ها از نرم‌افزارهای موجود و مرسوم غربی کپی‌برداری کرده است، به آماده‌خوری، هزینه‌نکردن و دم‌غنیمت‌شماری خوکرده است. از یک طرف، برای تولیدات و محصولات علوم انسانی اسلامی دانش‌آموختگان دانشگاه تقاضایی وجود ندارد و ازطرف دیگر، برای نیازهای پیچیده و باعجله کشور، عرضه‌ای موجود نیست.

همین دغدغه، تنی چند از فرزندان مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی رحمة‌الله را بر آن داشته است تا با طراحی مرکزی - موسوم به مرکز رشد - گامی در مسیر حل این چالش بردارند. مرکز رشد، هم برای حل معضلات پیش‌گفته و هم به منظور ابتناء بر اندیشه‌های تربیتی و مدیریتی اسلام، لازم بوده است تا الگوهای جدید سازمانی و تعامل علمی و تربیتی را طراحی و اجرا نماید که این مجمل مجال بسط و تشریح آن نیست. مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، برای پاسخ‌گویی به نیازهای پیش‌گفته در علوم انسانی و اجتماعی، راهی جز تربیت، حفظ و معرفی «نظریه پردازان» علوم انسانی و اجتماعی اسلامی سراغ ندارد و این تربیت، حفظ و معرفی را چیزی بسیار بالاتر و متعالی‌تر از حمایت‌ها یا استخدام‌ها یا طرح‌های پژوهشی مرسوم می‌شمارد.

سخن نویسندگان



کتاب حاضر ثمره تلاش گروهی از اعضای هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام و پژوهشگران مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام است. دغدغه نویسندگان این بوده است که دانش بانکداری مرکزی را متناسب با مختصات اقتصاد ایران و با در نظر گرفتن آموزه‌های شرعی در کشور گسترش دهند. این اولین کتابی است که به طور خاص بر نقش آخرین وام‌دهنده بانک مرکزی تمرکز کرده و ضمن تبیین مفاهیم نظری و تجارب کشورهای دنیا، سعی دارد این وظیفه بانک مرکزی را در اقتصاد ایران واکاوی کند. تحلیل جامع فقهی، تبیین و طبقه‌بندی چالش‌های آخرین وام‌دهنده و در نهایت ارائه راهکارهای عملیاتی به سیاست‌گذار جهت رفع چالش‌های مذکور از مهم‌ترین مزایای این کتاب به شمار می‌رود. امید است این کتاب ضمن پرکردن خلأ دانشی در حوزه بانکداری مرکزی در کشور طبق فرموده مقام معظم رهبری^۱، به

۱. «ما گفتیم که باید جوری حرکت بکنیم که در یک فاصله معقول زمانی ایران در دنیا منبع علم محسوب بشود؛ یعنی اگر کسانی بخواهند به جدیدترین یافته‌های علمی دست پیدا کنند، ناچار بشوند فارسی یاد بگیرند... البته مراحلی دارد. مرحله اول این است که امروز فاصله خودمان را با مرز دانش جهان بپیماییم؛ ما فاصله داریم. مرحله دوم این است که از خطوط دانش جهانی و مرز دانش جهانی عبور بکنیم؛ یعنی بتوانیم خدمات جدید علمی و کشفیات جدید علمی را به دنیا عرضه

سیاست‌گذار در شناخت دقیق و جامع مسائل و حل آن‌ها کمک کند. نویسندگان این کتاب مشتاقانه منتظر نظرها و قضاوت‌های خوانندگان هستند تا بتواند آن‌ها را در حرکت‌ها و کوشش‌های بعدی، چراغ راه خود گردانند.

لازم است از زحمات آقای سیدرضا جعفری فرد پژوهشگر مرکز رشد که در پیشبرد کتاب نقش بسزایی داشتند، تشکر کنیم. همچنین به جاست از حمایت‌های آقای دکتر حسین حسن‌زاده عضو هیئت علمی گروه مالی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام تقدیر گردد. در پایان از زحمات بسیار پدر و مادر و حمایت بی‌دریغ خانواده عزیز خود کمال قدردانی و سپاسگزاری را داریم.

محمدحسین قوام
سیدمحمدصادق شاهچراغ

مقدمه

※※※※※

از آنجایی که بانک مرکزی، بانکدار بانک‌ها شناخته می‌شود و روابط نزدیکی با حاکمیت دارد، اگر بانکی با کمبود نقدینگی مواجه شود، طبیعی است که در صورت به نتیجه نرسیدن سایر راه‌های تأمین کسری منابع خود به خصوص بازار بین بانکی، در نهایت خواستار کمک از بانک مرکزی باشد. به همین دلیل است که به این نقش بانک مرکزی، آخرین وام‌دهنده^۱ اطلاق می‌شود. به تعبیری بانک مرکزی «آخرین پناهگاه» بانک‌هاست.

ضرورت اعطای تسهیلات بانک مرکزی به بانک‌ها در شرایط اضطراری، جلوگیری از سرایت توقف^۲ یک بانک به کل نظام بانکی است. مساعدت مالی بانک مرکزی علاوه بر تأثیرهای مثبت بر نظام بانکی می‌تواند آثار منفی بر رفتار بانک‌ها نیز داشته باشد؛ حمایت بانک مرکزی از بانک‌ها سبب ایجاد مخاطره‌های اخلاقی می‌شود؛ زیرا بانک‌ها این‌گونه تصور می‌کنند که حتی با انجام فعالیت‌های پرخطر با مشکل مواجه نمی‌شوند؛ چراکه منابع بی‌نهایت بانک مرکزی وجود دارد؛ بنابراین برای جلوگیری از وقوع مخاطره‌های اخلاقی می‌بایست این تسهیلات در شرایط خاصی اعطا شود. اولاً صرفاً باید در شرایط اضطراری اعطا شود. ثانیاً بانک مرکزی باید به‌گونه‌ای رفتار کند که بانک‌ها

1. Lender of last resort
2. Bank failure

هیچ‌گاه از دریافت این تسهیلات اطمینان نداشته باشند. ثالثاً این تسهیلات صرفاً باید در اختیار بانک‌های سالم قرار گیرد که با مشکلات نقدینگی موقت مواجه شده‌اند. رابعاً باید در ازای دریافت وثیقه و نرخ جریمه اعطا شود.

در نظام بانکی ایران چنانچه یک بانک نتواند کسری حساب جاری خود نزد بانک مرکزی که ناشی از مبادلات بین‌بانکی یا تودیع سپرده قانونی است، رفع کند مجبور به اضافه برداشت از بانک مرکزی می‌شود؛ بدین معنا که بانک مرکزی حساب بانک مذکور را با اعمال نرخ جریمه به میزان لازم شارژ می‌کند؛ بنابراین غالباً نقش آخرین وام‌دهنده بانک مرکزی در ایران، با عبارت اضافه برداشت شناخته می‌شود.

متأسفانه در نظام بانکی ایران، نقش آخرین وام‌دهنده کارکرد سیاستی و نظارتی لازم را ندارد. این کج‌کارکردی علل مختلفی دارد: اولاً بازار بین‌بانکی ایران توسعه یافته و عمیق نیست؛ بنابراین بانک‌هایی که با کسری مواجه شده‌اند، نمی‌توانند در بازار بین‌بانکی، کسری ذخایر خود را جبران کنند و مجبور به اضافه برداشت می‌شوند. ثانیاً رفتار بانک مرکزی با بانک‌ها بازدارنده نیست؛ بدین معنا که برخی از اضافه برداشت‌ها بخشیده می‌شود و یا برخی از آن‌ها تبدیل به خط اعتباری می‌شود. ثالثاً هم بانک‌ها و هم ذی‌نفعان آن‌ها تصویری از خاتمه فعالیت‌های بانک ندارند؛ چراکه همواره تحت حمایت بانک مرکزی بوده‌اند. بالا بودن حجم اضافه برداشت بانک‌ها به خصوص در سال‌های اخیر شاهدهی بر این مدعا است. نبود نظام گزیر در نظام بانکی کشور، از مهم‌ترین علل ناکارآمدی نقش آخرین وام‌دهنده بانک مرکزی است. رابعاً دریافت منابع از بانک مرکزی بدون وثیقه صورت می‌گیرد؛ یعنی بانک‌ها به هراندازه که بخواهند، می‌توانند اضافه برداشت انجام دهند؛ درحالی‌که با وثیقه‌دار شدن اضافه برداشت، دسترسی به منابع سخت‌تر شده و به نوعی بانک‌ها مجبور می‌شوند که در ارزیابی و مدیریت ریسک‌های خود دقت

بیشتری داشته باشند تا به ورطه اضافه برداشت نیفتند. همچنین موضوعی که باید به طور جدی به آن پرداخته شود، این است که اضافه برداشت بانک‌ها با شبه‌های فقهی روبروست. آنچه تا سال ۱۳۹۹ اجرا می‌شده، حاکی از فقدان چهارچوب حقوقی و فقهی مشخص و مطابق با موازین شریعت است؛ هرچند که توجیه‌های گوناگونی مانند وجه التزام، جریمه تأخیر یا تعزیر مالی به عنوان مبنای شرعی دریافت نرخ مازاد (۳۴ درصد) توسط بانک مرکزی از بانک‌ها بیان شده است. بعد از سال ۱۳۹۹ با اجرای عملیات بازار باز و تصویب توافق بازخرید مبتنی بر شریعت توسط شورای فقهی بانک مرکزی، چهارچوب حقوقی و فقهی اعطای تسهیلات بانک مرکزی به بانک‌ها مشخص شد؛ هرچند که همچنان ابهام‌های زیادی درباره این ابزار وجود دارد. البته همچنان اضافه برداشت بانک‌ها با نرخ ۳۴ درصد وجود دارد.

درنهایت، لازم است چالش‌های نقش آخرین وام‌دهنده در نظام بانکی ایران به صورت تفصیلی بررسی شده و با هدف بهبود وضع موجود راهکارهای عملیاتی ارائه شود.

بنابراین، ساختار کتاب بدین صورت است که در فصل اول مفاهیم و نظریه‌های مربوط به آخرین وام‌دهنده ارائه شده و در فصل دوم به برخی از تجربیات دنیا پرداخته می‌شود. سپس در فصل سوم به طور تفصیلی اضافه برداشت در نظام بانکی ایران از جنبه عملیاتی و حقوقی بررسی می‌شود. فصل چهارم به توجیه‌های فقهی اضافه برداشت، نقد آن‌ها، راهکارهای جایگزین و ارزیابی راهکارهای مذکور اختصاص دارد. درنهایت، در فصل پنجم پس از تشریح چالش‌های نقش آخرین وام‌دهنده در نظام بانکی ایران، راهکارهای اصلاحی ارائه می‌شود.

واژه‌نامه

※※※※※

در این کتاب مفاهیم مشابهی استفاده شده است که ممکن است خواننده را دچار اشتباه کند؛ لذا لازم است بین آن‌ها تمییز قائل شد:

Insolvency: در این کتاب، این واژه به «ناتوانی مالی» ترجمه شده است. دانشنامه اینوستوپدیا این واژه را این‌گونه تعریف می‌کند: «زمانی که یک شخص یا سازمان قادر به انجام تعهدات مالی خود در قبال طلبکاران خود در زمان سررسید نباشد».

Failure: در این کتاب، این واژه به «توقف» ترجمه شده است. دانشنامه مذکور این واژه را «خاتمه دادن به فعالیت نهاد توسط نهاد تنظیم‌گر» تعریف کرده است؛ در واقع وقتی بانک دچار «ناتوانی مالی» می‌شود، نهاد ناظر آن را «متوقف» می‌کند. می‌توان گفت مفهوم ناتوانی مالی به یک وضعیت مالی خاص اطلاق می‌شود و توقف، ناظر بر یک مفهوم حقوقی بوده که منشأ آن قانون هست.

Illiquidity: در این کتاب، این واژه به «مشکلات نقدینگی موقت» ترجمه شده است. وقتی که بانک با مشکلات نقدینگی موقت مواجه می‌شود، آن را illiquid می‌گویند.

نکته مهم تمایز قائل شدن بین illiquidity و insolvency است. ممکن است یک بانک به صورت موقت با کسری نقدینگی مواجه شود؛ اما این بدین معنا نیست که لزوماً بدهی‌های بانک از دارایی‌هایش بیشتر بوده و در نتیجه دچار ناتوانی مالی شده است؛ به عبارت دیگر ممکن است یک بانک دچار illiquidity شده باشد، در عین اینکه به مرحله insolvency نرسیده باشد. در تجربیات دنیا و ادبیات نظری عبارت solvent but illiquid بسیار پُرکاربرد است؛ این عبارت بدین معناست که بانک به صورت موقت دچار کسری نقدینگی شده و نیاز به منابع نقد دارد؛ اما با این حال دچار ناتوانی مالی نشده است و توانایی ایفای دیون خود را در بلندمدت دارد. در این کتاب، این عبارت به «بانک‌هایی که سالم هستند؛ اما دچار مشکلات نقدینگی موقت شده‌اند»، ترجمه شده است.

البته واضح است که اگر مشکل نقدینگی بانک حل نشود (illiquidity)، به تدریج وارد وضعیت ناتوانی مالی (insolvency) شده و نهاد ناظر آن را متوقف می‌کند (failure).

Solvent bank: در این کتاب، این عبارت به «بانک‌های سالم» ترجمه شده است.

Insolvent bank: در این کتاب، این عبارت به «بانک‌هایی که دچار ناتوانی مالی شده‌اند»، ترجمه شده است.

Lender of last resort: در این کتاب، این عبارت به «نقش آخرین وام‌دهنده بانک مرکزی» ترجمه شده است. بانک مرکزی به عنوان آخرین ملجأ (پناهگاه) به بانک‌هایی که دچار کسری نقدینگی موقت شده‌اند، تسهیلات اعطا می‌کند. این تسهیلات در نظام بانکی ایران تحت عنوان اضافه برداشت بانک‌ها شناخته می‌شود.

Emergency Liquidity Assistance: در این کتاب، این عبارت به

«تسهیلات اضطراری» ترجمه شده است. در اروپا استفاده از این اصطلاح رایج‌تر است؛ اما منظور همان تسهیلاتی است که بانک مرکزی در قالب آخرین وام‌دهنده، به بانک‌ها اعطا می‌کند.

فصل اول:
نقش آخرین وام دهنده؛
مروری بر مفاهیم و نظریه‌ها



۱-۱. مقدمه

پیش از هرگونه بحث درباره نقش آخرین وام‌دهنده بانک مرکزی ایران و آسیب‌شناسی فقهی و اقتصادی آن، نیاز است ابتدا شناخت دقیقی نسبت به الگوی متعارف نقش آخرین وام‌دهنده بانک مرکزی حاصل شود؛ از این رو در این فصل، ابتدا ماهیت و جایگاه آخرین وام‌دهنده و تاریخچه آن تبیین شده، سپس رویکردهای نظری در باب آخرین وام‌دهنده توضیح داده می‌شود. در قسمت بعد مزایا و معایب آخرین وام‌دهنده به‌ویژه مخاطره‌های اخلاقی تحلیل می‌شود. در نهایت به ارتباط بین‌گزیرو آخرین وام‌دهنده پرداخته می‌شود.

۲-۱. ماهیت و جایگاه «نقش آخرین وام‌دهنده»

امروزه به دلیل تغییر و تحول ایجاد شده در نقش بانک‌های مرکزی و تغییرات محیط اقتصادی و مالی پیرامون آن‌ها، بانکداری مرکزی در حد قابل توجهی نسبت به شکل آغازین خود تکامل یافته است. به‌طور کلی پس از تجارب بسیار (رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰، تورم بزرگ دهه ۱۹۷۰، بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ و...)، نقش کلیدی بانک مرکزی پیشرفته برای ایجاد محیط اقتصاد کلان سالم و باثبات به طوری که رشد بلندمدت و پایدار اقتصاد در آن قابل دستیابی باشد، مورد پذیرش عمومی قرار گرفت. بانک مرکزی پیشرفته می‌تواند از دو طریق محیط اقتصادی سالم و باثبات را فراهم کند:

- ۱- ثبات پولی به معنی حفظ ارزش پول، چه از طریق تورم داخلی پایین و چه از طریق ثبات نرخ ارز.
- ۲- ثبات مالی به معنی کمک به نظام مالی به منظور کارکرد بدون اشکال و کارآمد آن در زمینه تخصیص منابع در اقتصاد.

با گذشت زمان برای تناسب کارکردها با نقش‌های نوین بانکداری مرکزی، تعدادی از کارکردهای بانک مرکزی حذف و بقیه نیز تعدیل شدند. قابل توجه‌ترین وظایف حذف شده بانک‌های مرکزی از این قرار است که بیشتر آن‌ها اقدام به ضرب و دسته‌بندی سکه نکرده و همچنین به عنوان مسئول تأمین مالی عملیات دولت شناخته نمی‌شوند. امروزه تمرکز اصلی بانک مرکزی بر سیاست‌گذاری پولی است. البته پس از بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸، توجه ویژه‌ای به وظیفه ثبات مالی شد.

به طور کلی می‌توان گفت بانک مرکزی پیشرفته دارای پنج وظیفه کلیدی است:

- ۱- انتشار پول (خلق پول)؛
- ۲- هدایت سیاست پولی؛
- ۳- تسهیل نظام‌های پرداخت؛
- ۴- ناظر بانکی؛
- ۵- وام‌دهنده نهایی.

دو وظیفه اول در راستای تحقق ثبات پولی و سه وظیفه دیگر برای دستیابی به ثبات مالی در نظر گرفته شده است (عزیزی و نوربخش، ۱۳۹۷).

جدول ۱- نقش‌ها و وظایف بانک مرکزی پیشرفته

نقش‌های بانک مرکزی		وظایف بانک مرکزی
ثبات پولی	ثبات مالی	
انتشار پول	تسهیل نظام‌های پرداخت	
سیاست پولی	ناظر بانکی	
-	وام‌دهنده نهایی	

منبع: عزیزی و نوربخش، ۱۳۹۷

بنابراین کارکرد آخرین وام‌دهنده بانک مرکزی نقش قابل توجهی در ایجاد ثبات مالی دارد. از آنجایی که بانک مرکزی خالق نهایی پول است و روابط

نزدیکی با حاکمیت دارد، به لحاظ تاریخی اگر بانکی با مشکل مواجه شود، طبیعی است که در صورت به نتیجه نرسیدن سایر راه‌ها، در نهایت خواستار کمک از بانک مرکزی باشد. از طرفی با توجه به ویژگی‌های خاص نظام بانکی مانند اثر دومینوئی، ریسک سرایت، پدیده هجوم بانکی و... بانک مرکزی به ناچار با تزریق منابع سعی می‌کند از اختلالات عمده در نظام بانکی و مالی جلوگیری کند.

همان‌طور که بیان شد، هدف از این کارکرد بانک مرکزی محدود کردن بی‌ثباتی است. به بیان تفصیلی‌تر بانک مرکزی به عنوان مقام پولی باید بتواند در قالب نقش آخرین وام‌دهنده از به وجود آمدن هراس بانکی^۱ جلوگیری کند. هراس بانکی از تمایل گسترده عموم برای تبدیل سپرده‌های خود به وجه نقد و در قبال آن تمایل بانک‌های تجاری به افزایش انباشت ذخایر^۲ خود متناسب با بدهی‌هایشان به سپرده‌گذاران، ایجاد می‌شود. زمانی که یک بانک یا چند بانک به دلیل عدم توان پرداخت دیون خود به صورت متوالی متوقف^۳ شوند، هجوم بانکی^۴ رخ داده و این تهدید به ترتیب به سایر بانک‌های سالم سرایت می‌کند (Bordo, 2014: 127)؛ به عبارت دیگر بانک‌های مرکزی در مواردی که بانک‌ها با مشکل نقدینگی موقت مواجه می‌شوند، در موقعیت آخرین وام‌دهنده قرار می‌گیرند تا با پرداخت وام‌های کوتاه‌مدت از ناتوانی مالی^۵ و در نهایت توقف^۶ آن‌ها جلوگیری کنند. (Freixas, 2008).

بانک مرکزی قادر است وظیفه آخرین وام‌دهنده را به سه شکل اصلی انجام دهد: اول، می‌تواند منابع را در اختیار هر یک از بانک‌ها قرار دهد. دوم، می‌تواند

1. Bank panic
2. Reserve holdings
3. Bank failure
4. Bank run
5. Insolvency
6. Failure

نقدینگی را به جای هر یک از بانک‌ها در بازار تزریق کند. سوم، می‌تواند به بانکی که معسر شده، منابع لازم را تزریق کرده و آن را تصاحب کند. در نخستین حالت، بانک مرکزی می‌تواند در مقابل وثیقه‌ای همچون اوراق بهادار دولتی، وام‌های کوتاه‌مدتی برای بانک‌های دچار مشکل فراهم کند تا آن‌ها بتوانند به تعهدات کوتاه‌مدت خود عمل کنند. هنگامی که بانک دچار مشکل، تعهدات کوتاه‌مدت خود را ایفا کرد، می‌تواند به انجام وظایف عادی خود بازگردد و انتظار می‌رود منابع دریافتی از بانک مرکزی را بازپرداخت کند. بازگشت بانک به حالت عادی خود پس از ایفای تعهدات کوتاه‌مدت نشان از آن دارد که بانک با مشکل نقدینگی روبرو بوده است و نه مشکل ناتوانی مالی.

در حالت دوم، بانک مرکزی به منظور کاهش مشکل کمبود نقدینگی در سراسر نظام مالی به هنگام فشار شدید، نقدینگی را به جای هر یک از مؤسسات مالی معین به بازار قرض می‌دهد. در طی بحران مالی جهانی اخیر، فدرال رزرو منابع لازم را هم به مؤسسه‌های مالی غیربانکی و هم به شرکت‌های غیرمالی (در بسیاری از موارد در قبال وثایق غیرنقدشونده) برای کمک به رفع کمبود نقدینگی تزریق کرد. با ارائه نقدینگی اضافی از سوی بانک مرکزی، مؤسسه‌ها یا شرکت‌های مالی قادرند به تعهدات کوتاه‌مدت خود بهتر عمل کنند. این‌گونه وام دادن می‌تواند به پایین آمدن سطح عمومی نرخ‌های بهره کوتاه‌مدت یا جلوگیری از افزایش آن‌ها کمک کند. اگر نرخ‌های بهره کوتاه‌مدت پایین باشد، مؤسسه‌های مالی تمایل بیشتری به وام دادن و وام گرفتن در میان خود و نیز با سایر مشتریان پیدا خواهند کرد که در نتیجه انقباض عمومی نقدینگی را مرتفع کرده و شرایط تداوم فعالیت‌های اقتصادی را فراهم می‌کند.

سومین شکل از وظیفه آخرین وام‌دهنده شامل مواردی است که بانک

پس از اجرای تعهدهای کوتاه‌مدت خود، توانایی بازگشت به وظایف عادی خود را ندارد؛ به بیان دیگر با مشکل ناتوانی مالی مواجه است. در چنین مواردی ممکن است بانک مرکزی تزریق منابع به بانک و تصدی مدیریت آن بانک را لازم بداند. بانک مرکزی با تزریق سرمایه، مالکیت بانک را در دست می‌گیرد و سپس برای یافتن راه حل مناسب برای فیصله این مشکل می‌کوشد (عزیزی و نوربخش، ۱۳۹۷). مباحث این کتاب بیشتر درباره حالت اول از آخرین وام‌دهنده است.

نیاز به تأکید است که حمایت بانک مرکزی از بانک‌ها نباید بدون ضابطه و قاعده باشد؛ به بیان دیگر این‌گونه نباشد که هر بانکی به هر شخصی (حقیقی و یا حقوقی) تسهیلات دهد، در هر نوع اوراقی سرمایه‌گذاری کند، در طرح‌های ریسکی گوناگون شرکت کند و در نهایت اگر با کسری نقدینگی مواجه شد، به بانک مرکزی رجوع کرده و نیاز خود را تأمین کند. همان‌طور که از نقش آخرین وام‌دهنده در ادبیات نظری و نظام‌های بانکی دنیا به عنوان «تسهیلات اضطراری»^۱ تعبیر می‌شود، این حمایت بانک مرکزی در موارد اضطراری معنا پیدا می‌کند. همچنین این اعتبارات به بانک‌هایی تعلق می‌گیرد که در درجه اول دچار ناتوانی مالی نشده باشند؛ یعنی دارایی‌های بانک از بدهی‌هایش کمتر نباشد و در درجه دوم صرفاً در یک مقطع زمانی موقت دچار مشکلات نقدینگی شده باشد. در نهایت پس از احراز شرایط فوق، به بانک مذکور در قبال دریافت وثایق لازم و اعمال نرخ جریمه، اعتبار داده می‌شود (Domenski, Moessner, Nelson, 2014; Humphery, 1989).

به‌طور خلاصه، می‌توان گفت نقش آخرین وام‌دهنده یکی از کارکردهای بانک مرکزی در نظام بانکداری ذخیره جزئی است که وجود آن به علت مواجه شدن بانک‌ها با کسری منابع الزامی است؛ چراکه در صورت عدم

1. Emergency Liquidity Assistance (ELA)

حمایت بانک مرکزی از آن‌ها، احتمال دچار شدن بانک‌ها به ناتوانی مالی و توقف آن‌ها و سرایت این وضعیت به بانک‌های سالم افزایش یافته و ثبات نظام بانکی و اقتصاد کشور را خدشه‌دار می‌کند.

۱-۳. تاریخچه نقش آخرین وام‌دهنده

در مورد اینکه اولین بانک مرکزی در چه تاریخی و در چه کشوری تأسیس شده است، بین مورخان پولی - بانکی اختلاف نظر وجود دارد؛ یکی از علل اصلی این اختلاف نظر این است که تعریف مشترک از بانک مرکزی بین آن‌ها وجود ندارد. برخی از مورخان بیان می‌نمایند که بانکداری مرکزی با تأسیس ریکس‌بنک سوئیس^۱ در سال ۱۶۶۸ یا تأسیس بانک انگلستان^۲ در سال ۱۶۹۴ ظهور پیدا کرده است. در مقابل برخی معتقدند که بانک انگلستان در آن زمان به عنوان یک بانک خصوصی^۳ برای تأمین مالی جنگ تأسیس شد و در آن زمان هیچ‌گونه مفهوم شکل‌گرفته‌ای از بانکداری مرکزی وجود نداشت. برخی دیگر نیز بیان می‌کنند که مفهوم کنونی بانکداری مرکزی بهتر است به قانون سال ۱۸۴۴ نسبت داده شود که به بانک انگلستان حق نشر اسکناس^۴ داده شد یا حتی سال ۱۸۷۰ که بانک انگلستان برای اولین بار کارکرد «آخرین وام‌دهنده» را پذیرفت (Davies & Green, 2010). به اعتقاد دانشمندان پولی - بانکی بانک انگلستان در سه دهه آخر قرن نوزدهم یک آخرین وام‌دهنده به تمام معنا بود (Humphery, 1989)؛ بنابراین به نظر می‌رسد که نقش آخرین

1. Swedish Riksbank

2. The Bank of England

۳. بسیاری از بانک‌های مرکزی به‌خصوص قدیمی‌ترین آن‌ها، مانند بانک انگلستان به‌عنوان شرکت‌های بخش خصوصی و برخی از آن‌ها مانند فدرال رزرو و بانک مرکزی اروپا به‌عنوان عامل بخش دولتی فعالیت می‌کردند؛ اما در حال حاضر عمده بانک‌های مرکزی در مالکیت دولت‌هاست (Davies & Green, 2010).

4. Banknotes

وام‌دهنده آن قدر مهم بوده است که یک شاخص اصلی برای تعیین اولین بانک مرکزی در تاریخ مدنظر قرار گرفته است.

مفهوم آخرین وام‌دهنده در اواخر قرن هجدهم میلادی در انگلستان شکل گرفت؛ زمانی که فرنسیس برینگ^۱ بیان کرد که بانک مرکزی انگلستان نقش «آخرین پناهگاه»^۲ را دارد. پس از آن، بحث‌های زیادی حول این موضوع شکل گرفت که بانک مرکزی به عنوان مقام ناظر بازار پول باید چه سیاست‌هایی اتخاذ کند تا از بی‌ثباتی مالی جلوگیری کند. از طرفداران اصلی این مفهوم، هنری تورنتون^۳ بود که استدلال می‌کرد بانک انگلستان با وام دادن در بازار پول در قبال دریافت وثایق باکیفیت از وقوع هراس بانکی جلوگیری می‌کند. پس از تورنتون، والتر باگهوت^۴ در سال ۱۸۷۳ قواعدی برای نقش آخرین وام‌دهنده بیان کرد که می‌توان به اعمال نرخ جریمه بالا در این نوع تسهیلات بانک مرکزی، لزوم اعلام شفاف سیاست‌ها توسط بانک مرکزی از قبل و لزوم حمایت از بانک‌هایی که با مشکل موقت نقدینگی مواجه شده‌اند؛ اما دچار ناتوانی مالی نشده‌اند، اشاره کرد (Bordo, 2014, 127).

پیش از بحران مالی جهانی اخیر، بانک‌های مرکزی پیشرفته به دلیل ترس از وقوع مخاطره‌های اخلاقی این وظیفه را کم‌اهمیت جلوه می‌دانند و غالباً تأکید می‌کردند که هیچ‌یک از بانک‌ها را نجات نخواهند داد؛ مگر اینکه با توقف یکی، کل نظام بانکی به خطر بیفتد؛ اما در پی بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ و بحران منطقه یورو، بسیاری از بانک‌های مرکزی مجدداً مجبور به پذیرش نقش آخرین وام‌دهنده به شکل بسیار چشمگیری شدند. بانک‌های مرکزی اصلی از جمله فدرال رزرو، بانک مرکزی اروپا و بانک مرکزی انگلستان

1. Francis Baring
2. Dernier resort
3. Henry Thornton
4. Walter Bagehot